

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: ا. م. شیری

۲۵ فبروری ۲۰۱۶

نظر "ستالین" در باره مبارزه خلقها برای صلح و در باره میهنپرستی بخش پایانی

کمونیستها صادق‌ترین، شجاع‌ترین و فداکارترین مبارزان آزادی خلقها در مبارزه علیه فاشیسم

"اعتبار کمونیستها نه تنها در اروپای شرقی، حتی در همه کشورهای اروپا (ایتالیا، المان، مجارستان، بلغارستان، فنلاند) که پیشتر تحت سلطه فاشیسم یا زیر اشغال المان، ایتالیا و مجارستان بودند (فرانسه، بلجیم، هالند، ناروی، پولند، چکوسلاواکی، دنمارک، یوگسلاوی، یونان، اتحاد شوروی و سایر)، افزایش یافت. رشد اعتبار کمونیستها را نمی‌توان اتفاقی دانست. آن کاملاً قانونمند است. اعتبار کمونیستها به آن سبب افزایش یافت که در سالهای دشوار سلطه فاشیسم در اروپا کمونیستها صداقت، شجاعت و فداکاری خود را در مبارزه برای آزادی خلقها از زیر سلطه فاشیسم ثابت کردند" (از پاسخ ی. و. ستالین به خبرنگار پراودا، ۱۴ مارس ۱۹۴۶).

خلقهای جهان خواهان تکرار بدبختی‌های جنگ نیستند. آنها مصممانه در راه تحکیم صلح و امنیت مبارزه می‌کنند.

تار و مار کردن فاشیسم و نابود کردن کانون‌های فاشیسم و ارتجاع جهانی موجب تحولات شگرفی در زندگی سیاسی خلقهای جهان و رشد گسترده جنبش‌های دمکراتیک در میان خلقها گردید.

توده‌های خلق با فراگیری از تجارب جنگ درک نمودند، که سرنوشت کشورها را نمی‌توان به دست حاکمان مرتجعی سپرد که از اهداف تنگ‌نظرانه و ضد مردمی پیروی می‌کنند. درست به همین دلیل که خلقها دیگر نمی‌خواهند مثل سابق زندگی کنند، سرنوشت کشور خود را به دست می‌گیرند، نظم دمکراتیک برقرار می‌سازند و علیه نیروهای ارتجاع، علیه آتش افروزان جنگ‌های جدید فعالانه مبارزه می‌کنند.

خلقهای جهان خواهان تکرار بدبختی‌های جنگ نیستند. آنها مصممانه در راه تحکیم صلح و امنیت مبارزه می‌کنند (ی. و. ستالین، از فرمان وزیر نیروهای مسلح اتحاد شوروی، شماره ۷، اول ماه مه سال ۱۹۴۶).

خرابکاری ایدئولوژیک امپریالیسم جهان‌وطنی، کرنش در مقابل غرب، تحریف تاریخ قهرمانی خلقهای روسیه

"در زمان‌های اخیر در بسیاری از نشریات مطالب مبسوطی انتشار می‌یابد که نشان از یک گرایش خطرناک ناشی از تأثیر مخرب غرب، و همچنین، علاقه مندی به فعالیت‌های خرابکارانه سازمان‌های امنیتی خارجی دارد. اغلب در

صفحات مجلات اتحاد شوروی مطالبی انتشار می یابد که طی آنها مردم اتحاد شوروی -سازندگان کمونیسم به صورت کاریکاتور تأثرانگیز وانمود می شود. قهرمانان واقعی را به سخره می گیرند و کرنش در مقابل بیگانه تبلیغ می گردد، جهان وطنی، تفاله سیاسی جامعه تمجید می شود.

در تئاترها به جای نمایشنامه های شوروی، نمایشنامه های بی محتوای نویسندگان بیگانه به نمایش گذاشته می شود.

فلم های سینمایی با موضوعات سبک، تحریف کننده تاریخ قهرمانانه خلق روس نمایش داده می شود."

"عوامل بیگانه به نفوذ در کشور ما موظف شده اند، از طریق انجام امور فرهنگی تحریریه روزنامه ها و مجلات را تصرف می کنند، تأثیرات تعیین کننده روی مجموعه های سیاست تئاتر و سینما، روی چاپ ادبیات بدیعی می گذارند. برای ممانعت از نشر آثار انقلابی، آثار تعلیم میهن پرستی و تقویت عزم خلق های شوروی برای ساختن کمونیسم، به هر کاری دست می زنند، برای نشر آثاری که بی اطمینانی به پیروزی در ساختن کمونیسم را ترویج می نمایند، سعی می کنند. شیوه تولید سرمایه داری و طرز زندگی بورژوائی تبلیغ و تمجید می شود. در عین حال، عوامل بیگانه موظف شده اند از طریق نشر آثار ادبی و هنری تخم بدبینی، انواع انحطاط و سقوط اخلاقی را در جامعه بیافشانند" (از سخنرانی ی. و. ستالین در دیدار با روشنفکران و اندیشمندان، سال ۱۹۴۶).

روسیه، روسیه شوروی -میهن ما!

"شایستگی مسکو تنها عبارت از آن نیست که آن، سه بار در طول تاریخ، میهن ما را از ظلم و ستم بیگانگان، از زیر یوغ مغول، از هجوم پولندی -لیتوانیایی، از حمله فرانسه رهانید. خدمات مسکو قیل از هر چیز عبارت از آن است که آن، در شالوده اتحاد روسیه تکه تکه شده در یک کشور واحد، با دولت واحد و با رهبری واحد قرار گرفت. هر کشور جهان اگر نتواند از پراکندگی فنودالی و از آشفتگی امیرنشینی آزاد شود، نمی تواند روی حفظ استقلال خود، روی رشد جدی اقتصادی و فرهنگی خود حساب کند. فقط یک کشور متحد حول یک دولت واحد مرکزی می تواند روی توانایی رشد جدی اقتصادی و فرهنگی خود، روی توانایی حفظ استقلال خود حساب کند. شایستگی تاریخی مسکو عبارت از آن است که آن، مبنا و آغازگر تشکیل دولت مرکزی روسیه بود و همچنان است.

اما خدمات مسکو در مقابل میهن تنها به همین موارد ختم نمی شود. پس از آن که مسکو از سوی لنین کبیر به عنوان پایتخت میهن ما اعلام شد، آن، به پرچمدار نوین دوره شوروی بدل گردید" (از سخنان ی. و. ستالین در مراسم سلام به مسکو به مناسبت ۸۰۰ سالگی آن، ۷ سپتامبر ۱۹۴۷).

اهمیت گسترش کارزار برای حفظ صلح علیه آتش افروزان جنگ جدید

"سؤال. آیا تصور می کنید جنگ جدید گریزناپذیر است؟

پاسخ. نه. در حال حاضر، حداقل آن را نمی توان اجتنابناپذیر دانست. البته، در ایالات متحده امریکا، انگلستان، همانطور هم در فرانسه نیروهای تهاجمی و تشنه جنگ وجود دارند. آنها برای به دست آوردن درآمد فوق العاده، برای تاراج سایر کشورها به جنگ نیاز دارند. این میلیاردرها و میلیونرها به جنگ به عنوان منبع درآمد، منبع سودهای هنگفت نگاه می کنند.

آنها، این نیروهای تهاجمی، دولتهای ارتجاعی را کنترل و اداره می کنند. با وجود این، اما آنها از خلق های خود که مخالف جنگ جدید و خواهان حفظ صلح هستند، می ترسند. به همین سبب آنها سعی می کنند دولتهای ارتجاعی را به منظور گول زدن و فریب دادن مردم خویش از طریق اشاعه دروغ مورد بهره برداری قرار داده، جنگ جدید را به مثابه

جنگ دفاعی، و سیاست صلحجویانه کشورهای صلحدوست را به عنوان تجاوز قلمداد نمایند. آنها مردم کشور خویش را با هدف تحمیل برنامه‌های تجاوزکارانه خود فریب می‌دهند تا مردم را به جنگ جدید جلب نمایند. درست به همین سبب آنها از کارزار دفاع از صلح بیم دارند که آن می‌تواند نیات تهاجمی دولت‌های ارتجاعی را برملا سازد.

درست به همین سبب آنها پیشنهاد اتحاد شوروی در باره عقد معاهده صلح، در مورد کاهش تسلیحات و ممنوعیت سلاح اتمی را با شکست مواجه ساختند، از بیم آن که پذیرش این پیشنهاد در راه اهداف تهاجمی دولت‌های ارتجاعی مانع ایجاد می‌کند و مسابقه تسلیحاتی را منتفی می‌سازد.

عواقب این مبارزه نیروهای ارتجاعی و صلحدوست چه خواهد بود؟

اگر خلفها امر حراست از صلح را به دست خود گیرند و تا آخر از آن دفاع نمایند، صلح حفظ خواهد شد، تحکیم خواهد یافت. اما اگر جنگ‌افروزان مردم را گول بزنند، بفریبند و به جنگ جدید جلب نمایند، آنگاه، جنگ اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

به همین، دلیل کارزار گسترده برای حفظ صلح به مثابه ابزار افشای دسایس جنائی جنگ‌افروزان، به اولویت درجه بدل گشته است.

آنچه که به اتحاد شوروی مربوط می‌شود، این است که آن، به سیاست ممانعت از بروز جنگ و حراست از صلح بدون تزلزل ادامه خواهد داد" (از مصاحبه ی. و. ستالین با خبرنگار "پراودا"، ۱۷ فوریه ۱۹۵۱)

برای گریز جنگ، امپریالیسم را نابود باید کرد

"این که می‌گویند چون در دنیای معاصر نیروهای قدرتمند مردمی برای دفاع از صلح و علیه جنگ جدید جهانی به شدت رشد کرده، نظریه لنین دایر بر ناگزیری تولید جنگ توسط امپریالیسم کهنه شده، صحیح نیست.

جنبش صلح‌طلبانه معاصر، بسیج توده‌های مردم برای مبارزه در راه حراست از صلح و ممانعت از شروع جنگ جهانی جدید را به عنوان هدف خود تعیین کرده است. بنا بر این، هدف آن سرنگونی نظام سرمایه‌داری و ایجاد جامعه سوسیالیستی نیست. هدف این جنبش به مبارزات دمکراتیک برای دفاع از صلح محدود می‌شود. به همین سبب، جنبش صلح‌طلبانه معاصر از جنبش دوره جنگ جهانی اول که هدف آن تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی بود و در ادامه، اهداف سوسیالیستی را دنبال کرد، متفاوت است.

احتمال دارد، که مبارزه برای صلح در شرایط معینی اینجا یا آنجا به مبارزه برای سوسیالیسم فراروید، اما این دیگر نه یک جنبش مبارزه برای صلح، بلکه، یک جنبش مبارزه برای سرنگونی سرمایه‌داری خواهد بود.

بعید نیست، که جنبش صلح‌طلبانه معاصر به مثابه جنبش برای حفاظت از صلح در صورت موفقیت، به پیشگیری از بروز جنگ، به تعویق موقتی آن، به حفظ این صلح، به استعفاى دولت متخاصم و تغییر آن با دولت حافظ صلح موفق شود. این، البته که خوب است و بسیار هم خوب است. با این وجود، جنبش صلح برای محو ناگزیری جنگ به طور کلی بین کشورهای سرمایه‌داری کافی نیست. کافی نیست برای این که در صورت همه موفقیت‌های جنبش دفاع از صلح، امپریالیسم حفظ می‌شود و به تبع آن، اجتناب‌ناپذیری جنگ همچنان به قوت خود باقی می‌ماند.

نابودی امپریالیسم لازمه از بین بردن هر گونه احتمال جنگ است" (مسائل اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد شوروی، سال ۱۹۵۱).

کمونیستها باید میهن پرستان، نیروی رهبری ملت، حامل پرچم استقلال ملی وطن خود باشند!

"پیشتر بورژوازی رهبر ملت شمرده می شد، آن، از حقوق و استقلال ملی دفاع می کرد و آنها را "بالتر از هر چیز" قرار می داد. اکنون هیچ اثری هم از "اصل ملی" باقی نمانده است. اینک بورژوازی حقوق و استقلال ملی را به دالر می فروشد. پرچم استقلال ملی و حق حاکمیت ملی به کناری پرتاب شده است. شکی نیست، که این پرچم را شما، وابستگان احزاب کمونیست و دمکراتیک، اگر می خواهید میهن پرستان کشور خود باشید، اگر می خواهید نیروی رهبر ملت باشید، باید بردارید و پیش ببرید. آن را دیگر هیچ کس بلند نخواهد کرد" (از سخنرانی ی. و. استالین در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، ۱۴ اکتوبر سال ۱۹۵۲).

<http://www.vkpb.ru/index.php/voprosy-teorii-i-praktiki-marksizma/item/2427-stalin-o-borbenarodov-za-mir-i-o-patriotizme>

۵ اسفند - حوت ۱۳۹۴